

عدالت فضایی بهره مندی از امکانات و خدمات در سکونت گاه

های روستایی دهستان های استان گیلان

دریافت مقاله: ۹۴/۷/۲۶ پذیرش نهایی: ۹۵/۵/۱۶

صفحات: ۹۵ - ۱۱۶

مجید یاسوری: استاد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه گیلان^۱

Email: yasoori@um.ac.ir

سیده فاطمه امامی: کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه گیلان

Email: f_emami22@yahoo.com

مریم سجودی: کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه گیلان

Email: msejodi1@yahoo.com

چکیده

تحقیق حاضر میزان دسترسی و بهره گیری دهستان های استان گیلان از خدمات کلیدی توسعه روستایی به عنوان یکی از مصادیق کاهش نابرابری و عدالت فضایی است. روش تحقیق در این مقاله از نظر هدف کاربردی و از حیث ماهیت توصیفی-تحلیلی است؛ برای انجام این پژوهش از مدل موریس، روش شاخص بندی، استاندارد سازی و تقسیم بر میانگین استفاده شده است. براساس نتایج به دست آمده، دهستان های سراوان، کلیشم و گل سفید بیشترین میزان دسترسی و دهستان های کوهستانی تالش، شوئیل و اشکور علیا محروم ترین دهستان ها از نظر دسترسی به امکانات و خدمات روستایی بوده اند؛ بر اساس شاخص های مورد بررسی، فاصله ی بین دهستان های محروم و برخوردار به طور تقریبی بین ۲ تا ۱۰ برابر در نوسان بوده است. این وضعیت نشان دهنده نابرابری شدید فضایی در برخورداری از امکانات و خدمات در سطح دهستان های استان گیلان است.

کلید واژگان: توسعه ی روستایی، نابرابری، خدمات روستایی، دهستان های استان گیلان

مقدمه

روستا نشینی شکل ویژه ای از استقرار و معیشت انسان و جلوه ی بارزی از حیات اقتصادی و اجتماعی است که با نظامی کم و بیش پایدار در طی قرون متمادی دوام یافته است. نقش و

^۱ - نویسنده مسئول: رشت - کیلومتر ۵ جاده تهران - دانشگاه گیلان - دانشکده علوم انسانی

جایگاه روستاها در فرایندهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در مقیاس محلی، منطقه ای، ملی و بین المللی و پیامدهای توسعه نیافتگی چون: فقر، نابرابری فزاینده، رشد سریع جمعیت، بیکاری و... موجب توجه جدی بر توسعه روستایی و تقدم آن به توسعه شهری گردیده است (پورطاهری و نقوی، ۱۳۹۰: ۵۳). با نگاهی گذرا به جامعه روستایی کشور در می یابیم که این جامعه از گذشته تا به حال همواره با مسایل و مشکلاتی رو به رو بوده است. مشکلاتی از جمله: کمبود امکانات زیربنایی، کیفیت نامناسب محیط زیست، کمی درآمد، نظام نامناسب استقرار و پراکندگی بیش از حد جمعیت و فعالیت ها، کوچک بودن آبادی ها، عدم امکان سرمایه گذاری مطلوب در این مکان ها و... (شیرازیان، ۱۳۷۵: ۴۸۷). در این مقوله، ایران و به تبع آن استان گیلان نیز مانند اغلب کشورهای جهان سوم کم و بیش از نابسامانی در عملکرد فضایی استقرارگاه های روستایی رنج می برد (آمار، ۱۳۷۵: ۳۲). به گونه ای که در تمامی مناطق کشور، آبادی های کوچک و بسیار کوچک با خصوصیت: تعدد، تنوع، پراکندگی، محرومیت و انزوا سهم قابل توجهی از مجموع آبادی ها را به خود اختصاص می دهند و در مقابل سهم آبادی های بزرگ ۸/۴ درصد از کل سکونت گاه های روستایی است (سعیدی، ۱۳۷۵: ۴۰۷). بر اساس آخرین اطلاعات؛ استان گیلان دارای ۱۶ شهرستان، ۵۲ شهر، ۴۳ بخش، ۱۰۹ دهستان و ۲۵۹۱ آبادی دارای سکنه است.

شواهد بیان گر وضعیت نامناسب توزیع امکانات و خدمات در سطح دهستان های منطقه است. که این امر در وضعیت نابرابر دسترسی ها و فقدان عدالت فضایی سکونتگاه های روستایی استان تاثیر گذار بوده است. عقیده بر آن است که دسترسی به خدمات روستایی توان بسیار بالایی در برخوردار کردن روستاها و بالتبع شهر و منطقه دارد و یکی از دلایل اصلی ناپایداری در روستاهای استان و برانگیخته شدن موجی از مهاجرت، گسترش بی ضابطه ی فضاهای شهری و... بوده است. در این راستا تامین شرایط زیست سکونت گاه های روستایی و بهره مندی از خدمات و امکانات مورد نیاز، جهت بهبود وضعیت معیشت و به تبع آن افزایش کارایی فضاهای روستایی و شکل گیری تعادل فضایی می تواند بسیار موثر و کارساز باشد. بنابراین، هدف اصلی پژوهش حاضر شامل؛ شناسایی وضعیت دسترسی به عدالت و برخورداری دهستان های استان گیلان در شاخص های عمده روستایی می باشد.

مبانی نظری

عدالت فضایی در برخورداری به امکانات و خدمات روستایی

مفاهیم اندیشه ی پژوهش های فضایی از جمله موضوعات اساسی در مطالعات برنامه ریزی آمایش سرزمین به شمار می رود. در این زمینه تحلیل های فضایی به دلیل در بر داشتن کلیه عناصر موجود در فضا و ویژگی های مربوط به آن در اهمیت بسیاری است. تحلیل های فضایی نیازمند سازماندهی فضایی است و این در واقع ترتیب و توزیع نظام یافته ی واحدهای هر مجموعه در فضا، با در نظر گرفتن عملکردهای عمومی آن است. در این سازمان، نقاط یا گره گاه ها و نیز شبکه ها و لکه ها یا سطوح به عنوان عناصر اصلی در نظر گرفته می شوند (معصومی اشکوری، ۱۳۸۵: ۲۴). و بیشتر تصمیمات برنامه ریزی می تواند و باید در سطح محلی انجام شود. تصمیمات باید با مراجعه به سیاست های برپا شده در سطح ملی و منطقه ای اتخاذ و با استفاده از طرح های مفصل تهیه شده در سطح محلی اجرا شود (ابراهیم زاده، ۱۳۹۳: ۴۲). نقاط یا گره گاه ها به دلیل اینکه مراکز اصلی استقرار جمعیت (در قالب نقاط شهری و روستایی) از جمله عناصر اساسی در فضای جغرافیایی به شمار می آیند. در این بین نقاط سکونت گاهی مراکز روستایی، از یک سو به دلیل ارتباط نزدیک با منابع طبیعی آب و زمین و از سوی دیگر به دلیل پراکنش گسترده آن ها در پهنه فضا، نقش مهمی در ساختار فضایی هر منطقه به عهده دارند. در حقیقت نقاط روستایی شیوه ای از شکل دهی و نظم بخشی به عرصه های مکانی - فضایی اند که از آغاز زندگی بشر و از زمان بهره گیری از منابع پایه، پیوسته در مقیاس و مفهومی متفاوت مطرح بوده اند (سعیدی، ۱۳۸۱: ۱۴۶). بدون تردید حرکت به سوی تحقق عدالت اجتماعی نیازمند کاربردی کردن رهیافت نظری عدالت اجتماعی است و بدون تحقق این مهم، رهیافت نظری عدالت اجتماعی در حد مبنایی کم اثر و یا مبنایی آرمانی که راه مستقیمی برای عملی شدن آن وجود ندارد، باقی خواهد ماند (نبوی، ۱۳۹۳: ۱۸). و فقدان عدالت در اجتماع موجب بروز تبعیض، ستم، فساد و عدم وفاق عمومی می شود و چنین جامعه ای از فضیلت وفاق و همبستگی فاصله می گیرد و به سوی گسست و اضمحلال پیش می رود (توکلی و افتخاری، ۱۳۸۸، به نقل از فاضل نیا، ۱۳۹۳: ۱۸). تا جایی که امروزه در اکثر کشورهای پیشرفته ی جهان توسعه ی روستایی ارتباط تنگاتنگی با فرایندهای ساختاری نظیر فرایند اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، مدیریتی و زیست محیطی دارد (Herrmann, 1999: 55). بنابراین هدف کلی برنامه ریزی منطقه ای و یا توسعه اقتصادی برقراری عدالت اجتماعی و توزیع رفاه و ثروت در بین افراد جامعه است. عدم توازن در بین مناطق در جریان توسعه، موجب ایجاد شکاف و تشدید نابرابری منطقه ای می شود که خود مانعی در مسیر توسعه است (محمدی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۸). هر چه میزان تولید کالا و خدمات از سوی یک سکونت گاه برای رفع نیازهای جمعیت خود و سکونت گاه های اطراف بیشتر باشد؛

جایگاه و اهمیت آن سکونت گاه در نظام سلسله مراتبی سکونت گاهی نیز بالا تر خواهد بود؛ در واقع تمامی کارکردهای مکان های سطوح پایین تر در مکان های سطوح بالاتر ارائه می گردد (King, 1984: 34). به همین دلیل است که روستاها هر چه قدر به مراکز شهری نزدیک تر باشند، شهر تاثیرات بیشتری بر ساختار اجتماعی، اقتصادی، نهادی و مدیریتی این روستاها خواهد داشت و باعث نوعی جدایی گزینی روستاها از گذشته ی خود می شوند و در واقع با پذیرفتن بسیاری از کارکردهای جدید بسیاری از ارزش های آن ها نیز تغییر خواهد یافت (منشی زاده و همکاران، ۱۳۹۰: ۷). پیامد های جغرافیایی این تحولات را می توان در آشفتگی فضایی، تغییرات گسترده ی کاربری اراضی، رشد خارج از قاعده و مکان یابی نادرست بسیاری از کاربری ها به ویژه کاربری های مسکونی و توزیستی و بی عدالتی در تخصیص منابع جغرافیایی به ویژه زمین و چشم اندازهای طبیعی (یاسوری، ۱۳۸۵: ۲۷)، افزایش اراضی بلااستفاده، سهم بالای فضاهای باز، کاهش تراکم جمعیت، گسستگی بخش های شهری و جدایی گزینی اجتماعی دید (Hess, 2001:2). و این روند مغایر عدالت فضایی است چرا که عدالت فضایی توزیع و تخصیص عادلانه ی فضا و کاربری های وابسته به آن برای برخورداری بهتر از امکانات است. در این راستا علاوه بر این که باید راهبرد هایی برای حفظ جمعیت روستایی اندیشیده شود، لازم است جمعیت مهاجر، که به هر دلیل مجبور به ترک دیار خود می شود، هدایت شود. این مهم به توزیع بهینه ی جمعیت روستایی نیاز دارد. مناطقی از استان توان نگهداشت جمعیت بیشتری داشته و در برخی از مناطق نیز توان نگهداشت جمعیت پایین تر است. شناخت این مناطق و برنامه ریزی برای توزیع بهینه ی جمعیت از مهمترین موارد برنامه ریزی در ابعاد فضایی و روستایی تلقی می شود (یاسوری، ۱۳۸۵، ص ۲۷). به واقع سخت ترین مرحله ی عدالت اجتماعی، مرحله ی برنامه ریزی است. در این مرحله ارزیابی فرصت ها و ظرفیت ها و توانمندی ها بر مبنای محاسبه و کمیّت و شمارش و آمار و جداول محاسباتی حرف اول را می زند و ضرورت دارد تمامی امور بر مبنای حساب و کتاب عادلانه تنظیم شود (نبوی، ۱۳۹۳: ۲۶).

دیوید هاروی نیز اصول عدالت اجتماعی در موقعیت های اجتماعی را به صورت زیر خلاصه می کند:

۱. سازمان یابی فضایی الگوهای سرمایه گذاری منطقه ای، باید به نحوی باشد که نیازهای جمعیت را پاسخ گوید این امر مستلزم یافتن روشی عادلانه برای تعیین و سنجش نیاز است.
۲. آن سازمان یابی فضایی و الگوی تخصیص منطقه ای منابع که از طریق اثرات اشاعه یابنده ضرایب فرایندگی و نظیر آن، منافع بیشتری به شکل پاسخ گویی به نیاز (در مرحله اول) و یا

افزایش بازده اقتصادی (در مرحله بعد) در مناطق دیگر را فراهم آورد، نوع بهتری از سازمان یابی فضایی و تخصیص منابع است.

۳. ناموزونی سرمایه گذاری منطقه ای را زمانی می توان پذیرفت که هدف فائق آمدن بر مشکلات محیطی باشد؛ در غیر این صورت مانعی بر سر راه بر آوردن نیاز و کمک به مصالح عمومی خواهد بود (هاروی، ۱۳۷۶: ۱۰۹).

هاروی مسأله علم جغرافیا را یافتن نوعی سازمان یابی فضایی می داند که سبب بهبود وضعیت مناطق محروم شود و شرط اولیه لازم آن را معیار اجتماعی عادلانه برای تعیین حد و مرز مناطق می داند و ثانیاً برای تخصیص منابع به این مناطق بر می شمرد. وی منطقه بندی سنتی جغرافیا را در صورتی که همراه با رعایت اصول عدالت اجتماعی باشد، نخستین گام در این زمینه می داند؛ به طوری که تعیین مرزهای منطقه ای به نفع گروه های فاقد امتیاز تمام شود (هاروی، ۱۳۷۶: ۱۱۳). به واقع دیوید هاروی برقراری عدالت در سازمان فضایی را در سه اصل مهم یعنی نیاز سنجی اقتصادی، توان سنجی محیطی و منافع اجتماعی می داند. "که با پذیرش این سه اصل به مغایرت بین سازمان فضایی جامعه ی روستایی کشور با این اصول بیشتر پی می بریم و به نظر می رسد که تداوم این وضعیت می تواند به آپارتاید منابع جغرافیایی منجر شده و توسعه ی پایدار را در محدوده های روستایی عمیقاً به چالش بکشد" (آمار، ۱۳۹۲: ۲). اندیشه انسان در جهت سازماندهی محیط زیست و استفاده ی بهینه از امکانات از دیرباز بین جوامع انسانی مطرح بوده، اما به دنبال تحولات ایجاد شده در صنعت، افزایش سرعت و کوتاه شدن مسافت ها و ایجاد ارتباطات جمعی و .. برنامه ریزی مکانی به صورت علمی مطرح گردیده که مسائل مکان بهینه و مکان یابی برای آن را نه فقط از نظر عوامل طبیعی، بلکه با توجه به روابط متقابل و همه جانبه سیستم های اقتصادی، اجتماعی و فیزیکی در نظر می گیرد. توزیع عادلانه امکانات و ثمرات توسعه در میان اکثریت جمعیت از خصیصه های مهم اقتصادی پویا و سالم می باشد. برنامه ریزان فضایی جهت تحقق این امر سعی در کاهش نابرابری ها و عدم تعادل ها از طریق تدوین و اجرای برنامه های متعدد محرومیت زدایی و گسترش همه جانبه جنبه های مثبت توسعه یافتگی دارند. گام اساسی در این زمینه تدوین برنامه های و شناسایی شرایط موجود می باشد. چه بسا عدم " عدالت اجتماعی " کارآمد و منطبق بر واقعیت ها، دستیابی به هدف برتر شناخت دقیق وضع موجود، کلیه تلاش های دست اندرکاران امر محرومیت زدایی و کسب عدالت اجتماعی را عقیم می گذارد. بنابراین در اجرای برنامه های اجتماعی اقتصادی لازم است که تخصیص منابع با توجه به شرایط مناطق انجام گردد. جهت دستیابی به این هدف نیازمند شناخت شرایط موجود

هستیم (مهدوی و کریم زاده، ۱۳۸۵: ۲۰۳-۲۰۴). لذا مناسب بودن مکانی خاص برای انجام خدمتی، تا حد زیادی به عوامل بستگی دارد که در حین مکانیابی برای انجام آن خدمت انتخاب و ارزیابی می شود (Yang & lee, 2005: 245). بنابراین یک برنامه ی توسعه ی روستایی باید در بر گیرنده ی فرایند های توسعه ای نظیر توسعه ی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و توسعه ی مشارکتی در سطح روستاها باشد (Shucksmith, 2000: 2). در صورت تحقق چنین شرایطی است که سکونت گاه های روستایی به طور عادلانه به خدمات و امکانات دسترسی خواهند داشت و بنابراین همان گونه که ذکر گردید، شناخت وضع موجود و تلاش در جهت برطرف کردن نابرابری ها یکی از اصلی ترین وظایف برنامه ریزان و از اهداف محوری برنامه های توسعه روستایی باید باشد.

سکونت گاه های روستایی، فضاهای جغرافیایی و یا چشم اندازها ی مکانی- فضایی حاصل از برابند مجموعه ی عوامل و نیروهای چشم انداز طبیعی و چشم اندازهای فرهنگی هستند (سعیدی، ۱۳۸۴: ۱۳). در کشور ما در گذر زمان با توجه به شرایط محیطی، شیوه های معیشتی، نظام های سیاسی حاکم، میزان برخورداری از دانش و تکنولوژی، روابط و مناسبات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... اشکال کاملاً متفاوتی از سکونت گاه های روستایی در زمان ها و مکان های مختلف شکل گرفته است. نظام فضایی روستایی با توجه به بستر محیطی^۰ اکولوژیک و به ویژه خصوصیات اجتماعی^۱ اقتصادی خود دارای ساختار معینی است که مبین توانمندی های بنیادی و استعداد های بالقوه و بالفعل آن است و به نوبه ی خود عملکرد هایی را امکان پذیر می سازد (سعیدی، ۱۳۸۱: ۱۱۶). در واقع نابرابری به صورت تفاوت افراد جامعه در دستیابی به منابع اقتصادی تعریف می شود. میزان نابرابری از عواملی مانند سیاست های دولت در توزیع منابع، خصوصیات شخصی مانند جنس و سن افراد، سطح آموزش و سطح بهداشت جامعه تاثیر می پذیرد. نابرابری می تواند در توزیع درآمد، ثروت، مصرف، دستمزد و پس انداز افراد جامعه ظاهر شود (فطرس و معبودی، ۱۳۸۷، به نقل از فاضل نیا، ۱۳۹۳: ۱۸). سازماندهی محیط زیست و استفاده ی بهینه از امکانات، همواره یکی از دغدغه های انسان بوده است. به موازات تحولات در زمینه های مختلف، شاهد افزایش نابرابری ها در عرصه های مختلف، از جمله نابرابری های فضایی هستیم؛ از این رو است که ضرورت برنامه ریزی مکانی برای کاهش نابرابری ها از طریق برنامه های متعدد، محرومیت زدایی و گسترش همه جانبه ی منافع توسعه به طور علمی مطرح شده است. برای دست یابی به ظرفیت های توسعه ای در نواحی روستایی، برنامه ریزی برای ایجاد زیر ساخت های مورد نیاز روستاها با هدف افزایش اشتغال و درآمد، ارتقای سطح کیفی جامعه روستایی و گرایش جامعه به امور مشارکتی

ضرورتی انکارناپذیر است. پذیرش برنامه ریزی خردمندانه برای رفع مشکلات موجود، هنگامی مطرح می شود که به معنای واقعی معتقد باشیم، هیچ جامعه ای به عقب ماندگی و توسعه نیافتگی محکوم نشده است (فرجی، ۱۳۸۹: ۹۶). پس از پذیرش این اصل، گام اساسی برای دست یافتن به ظرفیت های توسعه ای در نواحی روستایی، شناسایی شرایط موجود و تدوین برنامه ها است؛ بنابراین، در اجرای برنامه ها از منظر آمایش سرزمین، لازم است تخصیص منابع با توجه به شرایط مناطق صورت گیرد. استقرار فعالیت ها در مکان های مناسب، موجب دستیابی به کارایی بالا و توجیه اقتصادی فعالیت ها می شود و پایداری آن ها را تضمین می کند (Queiruga et al.2008:185). در واقع توسعه ی روستایی در صورتی انجام می گیرد که تسهیلات و خدماتی که در خدمت فعالیت های مولد اقتصادی قرار می گیرند، در مراکز روستایی بهینه و دارای شرایط مناسب در زمینه ی ارائه ی خدمات متمرکز شوند (زیاری، ۱۳۸۳: ۵۵). خدمات روستایی فعالیت هایی است که میان تولیدکننده و مصرف کننده پیوند حیاتی و مهمی را بوجود می آورد که به چهار نوع مالی، تجاری، حرفه ای و شخصی تقسیم می شود. برخی از خدمات روستایی دارای وابستگی افقی هستند مانند درمانگاه، بیمارستان، دبیرستان، شرکت تعاونی، که استفاده از این نوع خدمات ویژه یک روستا یا شهر نیست و تمامی روستاهای یک بخش یا دهستان می توانند از آن بهره مند شوند که به آن ها خدمات حوزه ای نیز می گویند. اما خدمات دارای وابستگی عمودی، به اهالی یک شهر یا روستا اختصاص دارد. بدین معنا که اینگونه خدمات را به محل مصرف منتقل کرد و امکان مصرف آنرا در محل فراهم ساخت. مانند برق، آب لوله کشی و گاز (امیر انتخایی، ۱۳۹۲: ۲۲-۲۳). پس لازم است در ابتدا چنین مراکزی شناسایی گردند، چرا که مراکز خدمات روستایی، نقش مهمی را در ارائه ی امکانات و خدمات مورد نیاز روستاهای تحت نفوذ خود دارا هستند؛ زیرا این مراکز به عنوان پایگاهی برای ایجاد تحرک و میل به زیستن در نواحی روستایی تلقی می شوند. در ارتباط با تعیین مکان مناسب برای خدمات رسانی روستایی در سطح دهستان و یا مجموعه روستایی، مهمترین مورد تعیین و تنظیم چگونگی ساخت سلسله مراتبی در سطح مجموعه ی روستاها، برای توزیع هر چه مناسبتر خدمات است تا جامعه روستایی بتواند از امکانات خدماتی موجود در سطوح بالاتر سلسله مراتبی، به نحو مطلوب بهره مند شود (مکانیکی، صادقی، ۱۳۹۱: ۵۱).

در این راستا در خدمات رسانی روستایی دو مشکل عمده وجود دارد یکی دسترسی نامناسب به فرصت ها و خدمات و دیگری عدم انعکاس نظریات روستاییان و نیازهای آن ها در ارائه ی سیاست های خدمات رسانی به وسیله ی حکومت های مرکزی و محلی است (Gilg, 1985:12)

۱۰۳). که برآیند این کاستی‌ها، ناتوانی فضاهای شهری در پاسخگویی به نیازهای شهرنشینی شتابان است. عموماً این توسعه نامتعادل شهری در اراضی آماده‌سازی نشده‌ی شهرها شکل می‌گیرد (Lungo, 2001:123). از طرفی چون چشم انداز روستا سیستم پیچیده‌ای را با عملکردهای متفاوتی چون زیست محیطی، اجتماعی، اقتصادی را نمایش می‌دهد بنابراین هر گونه برنامه ریزی روستایی باید این سه عملکرد را پوشش دهد و از حمایت‌های اکولوژیکی نیز برخوردار شود (Cudlinova, 1991 به نقل از، رضا طبع ازگمی و مولایی، ۱۳۸۸: ۵۰). بنابراین یکی از دلایل اصلی عقب ماندگی روستایی و نبود میل جمعیت به ماندگاری در نواحی روستایی، ضعف امکانات خدمات روستایی و فقدان دسترسی آسان این جمعیت به مراکز ارائه‌ی خدمات (مطیعی لنگرودی، ۱۳۸۶: ۱۲۱). مکان یابی بهینه‌ی مراکز خدماتی روستایی در سطح دهستان و یا مجموعه‌ی روستایی، سبب کاهش هزینه و زمان سفر برای دستیابی به خدمات می‌شود که خود، رغبت و بهره‌وری مطلوب‌تر از خدمات موجود را افزایش می‌دهد (Dixon, 1994:36). در این راستا توسعه‌ی روستایی مستلزم رفع تبعیض و محو آثار در ارائه‌ی خدمات دولتی به جوامع روستایی در مقایسه با جوامع شهری و تلاش برای پر کردن شکاف فرهنگی موجود بین جوامع شهری و جوامع روستایی می‌باشد (آسایش و فلاح تبار، ۱۳۹۲: ۴۶). این احتمال در کشورهای توسعه نیافته که مردم آن‌ها در نواحی روستایی، در سال ۲۰۳۰ بیش از ۵۵ درصد کل جمعیت را تشکیل می‌دهند، بیشتر است. به عبارت دیگر، در طول این مدت، چالش‌های توسعه برای برقراری ارتباط با شرایط و روند‌های روستایی ادامه خواهد داشت. در نتیجه دستیابی به اهداف ارائه شده از سوی برنامه‌ی جهانی غذا برای سال ۲۰۱۵ مستلزم تاکید ویژه بر مناطق روستایی است (منبع قبلی، ۴۹). لذا تاکید و تمرکز بر روی شناسایی و ارائه‌ی خدمات مهم و اساسی روستایی جهت جلب رضایت ساکنین مناطق روستایی و کاهش تبعیضات و نابرابری‌های موجود بسیار ضروری می‌نماید و می‌توان مهم‌ترین دستاوردهای آن را به شرح زیر بیان نمود:

۱. کاهش روند مهاجرت: فعالیت‌های خدماتی و صنعتی این شهرها بخشی از نیروی کار روستاییان را جذب نموده و مانع از مهاجرت آنان به شهر می‌گردد. همچنین با ارائه خدمات شهری به حوزه نفوذ روستایی خود، از مهاجرت مستقیم روستاییان به شهرهای بزرگ جلوگیری نموده و به تداوم تعادل‌های محیطی و ارزش‌های فرهنگی جامعه روستایی یاری می‌نمایند.

۲. بازار مناسبی برای تولیدات کشاورزی روستاییان حوزه نفوذ خود فراهم می‌سازند: که علاوه بر کارآفرینی، انگیزه موثری در بهبود کشاورزی حوزه نفوذ روستایی می‌گردند.

۳. تامین خدمات و امکانات زیربنایی و روبنایی: در پخش متعادل خدمات و امکانات شهری در سطح محلی نقش تعیین کننده ای داشته و از وابستگی مستقیم روستاها به شهرهای دیگر منطقه می کاهند. ضمن آنکه خدمات مورد نیاز روستاییان را در تمام زمینه ها مطابق با شرایط زیست محلی تامین می کنند.

۱. زمینه های بهره برداری از برخی توانمندی های ناحیه ای و محلی را فراهم می سازند.
۲. به برقراری و تداوم پیوندهای انداموار جوامع شهری و روستایی یاری نموده و زمینه ها و عوامل توسعه (مانند انواع نوآوری ها) را به آسانی از شهرهای میانی به حوزه نفوذ روستایی خود منتقل می کنند (امیر انتخابی، ۱۳۹۲: ۷۴).

پیشینه ی تحقیق

به منظور دستیابی به عدالت اجتماعی و دسترسی عادلانه و متوازن مراکز سکونت گاهی به خدمات و امکانات، پژوهشهایی در زمینه مکانیابی و سنجش وضعیت استقرار و دسترسی مراکز خدمات روستایی انجام شده است:

امیر انتخابی، در طرح پژوهشی تحت عنوان " سطح بندی و گونه شناسی روستاهای استان گیلان " شناخت گونه های متنوع سکونتگاه های روستایی گیلان و طبقه بندی آنها را، زیربنای برنامه های توسعه روستایی و ناحیه ای می داند که می تواند رهگشای شناخت نیازها، توانمندی ها، محدودیت ها، تنگناهای روستاها و سنجش سطح توسعه یافتگی یا محرومیت روستاها می داند. در این پژوهش با استفاده از شاخص های مهم بررسی میزان توسعه یافتگی یا محرومیت روستاها را در گیلان مورد بررسی قرار گرفته است که شناخت دقیق حوزه های روستایی، تدوین و تثبیت نهایی تقسیمات اداری و محدوده روستاها، هماهنگی در ارائه خدمات روستایی، توجه به تمام سکونتگاه های روستایی، تاکید بر شبکه کارآمد سکونتگاهی، بازشناسی محدوده ی روستاها از مهم ترین پیشنهادات جهت کاهش فقر روستایی در استان گیلان بوده است (همان منبع)

مکانیکی و صادقی در مقاله ای تحت عنوان "تعیین الگوی فضایی بهینه ی استقرار مراکز خدمات روستایی با رویکرد تناسب اراضی به روش AHP معتقدند استقرار بهینه ی مراکز خدمات روستایی، موجب دسترسی آسان روستاییان به این خدمات و صرفه اقتصادی و پایداری فرایند توسعه روستایی را تضمین می کند. این پژوهش از روش تحلیل سلسله مراتبی انجام و نتایج تحقیق نشان می دهد که معیارهای تراکم نسبی جمعیت، فاصله تا راه های ارتباطی و وجود امکانات زیربنایی و بهداشتی به ترتیب دارای بیشترین تأثیرگذاری بر استقرار مراکز

خدمات روستایی هستند و نتایج حاصل از تلفیق نقشه ها بر اساس معیارهای یادشده نشان می دهد که ۲۲ روستا برای استقرار مراکز خدمات روستایی کاملاً مناسب و ۱۱۲ روستا برای مکان یابی درجات متفاوتی از اهمیت را دارند (مکانیکی و صادقی، ۱۳۹۱: ۴۷).

رضا طبع ازگمی و مولایی هاشجین در پژوهشی تحت عنوان "برنامه ریزی توسعه ی خدمات روستایی از دیدگاه جغرافیا (مطالعه ی موردی: بخش تولم شهرستان صومعه سرا)"، به بررسی برنامه ریزی توسعه ی خدمات به بررسی عوامل موثر در نظام توزیع خدمات برای رسیدن به الگوی بهینه بوده است. نتایج نشان می دهد که کمبود خدمات در سطح ناحیه به ویژه در حوزه ی روستایی گوراب وجود دارد. همچنین توزیع خدمات و عملکرد آن ها در سطح ناحیه مورد مطالعه همگن نبوده و در روستاهای دور از مرکز منظومه ی روستایی و زیر منظومه ی روستایی وجود دارد. در تقسیم بندی کلان تر، زیر منظومه ی روستایی با مرکزیت هندخاله و تولم و حوزه های روستایی با مرکزیت نوخاله اکبری، هندخاله، نرگستان در دهستان هندخاله، لیفشاگرد، تولم، گوراب در دهستان لیفشاگرد بین این دو واحد واقع شده اند (رضا طبع ازگمی و مولایی هاشجین، ۱۳۸۸: ۴۹-۵۰).

مهدوی و کریم زاده در پژوهشی تحت عنوان "پهنه بندی بخش مرکزی شهرستان ورزقان برای مکان یابی مراکز خدمات روستایی با استفاده از GIS" به چگونگی پهنه بندی بخش مرکزی شهرستان ورزقان با توجه به عوامل طبیعی و انسانی برای مکان یابی مراکز خدمات روستایی پرداخته است. طی این فرایند، ابتدا استقرار سکونتگاه ها از نظر عوامل طبیعی در چهار شاخص سطوح ارتفاعی، شیب، قابلیت اراضی و دسترسی به منابع آب مورد بررسی قرار گرفت و نقشه های مربوط به آنها تهیه و با تلفیق نقشه های بدست آمده در عوامل طبیعی و انسانی از مدل مناسب، قسمت های مناسب جهت استقرار مراکز خدمات روستایی در بخش مرکزی شهرستان ورزقان پهنه بندی شد (مهدوی و کریم زاده، ۲۰۳: ۱۳۸۵).

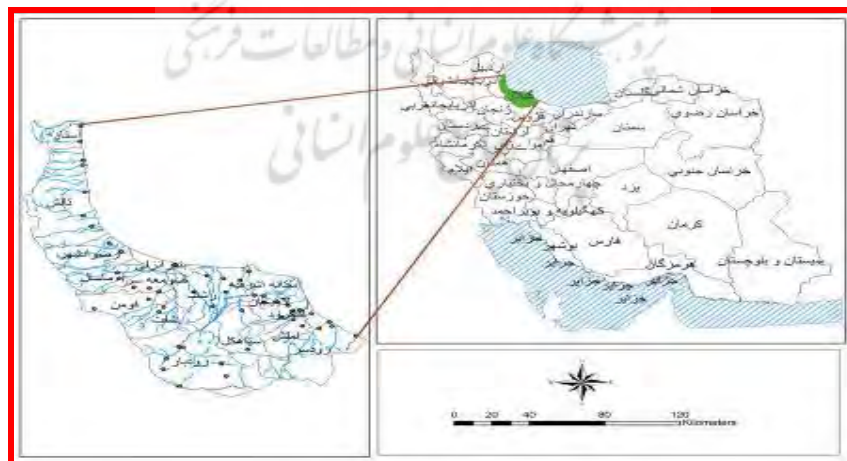
مولایی هاشجین در مقاله ای تحت عنوان "الگوی بهینه برای برنامه ریزی توسعه ی خدمات روستایی در ایران (مطالعه ی موردی: جنوب استان اردبیل)" به برنامه ریزی توسعه ی انواع خدمات روستایی در جنوب استان اردبیل توجه شده و به همین منظور عوامل موثر در نظام توزیع خدمات برای رسیدن به الگوی بهینه، بررسی و الگوی پیشنهادی، ارائه ی انواع خدمات بر اساس سلسله مراتب جغرافیایی و فضایی صورت گرفته است، به طوری که روستا به عنوان کوچکترین و ناحیه در حکم بزرگ ترین واحد جغرافیایی مورد توجه بوده و منظومه ی روستایی و خرده ناحیه نیز بین این دو واحد واقع شده اند (مولایی هاشجین، ۱۳۸۲: ۴۷).

ضرابی و پرزادی در پژوهشی تحت عنوان "سطح بندی سکونت گاه ها و تعیین مراکز عملکردی محلی" از مسائل مهم برنامه ریزی روستایی را، تشخیص و تشکیل سلسله مراتبی از سکونت گاه ها دانسته تا بتوانند ساختار موثری برای ارائه ی خدمات و بهره گیری بهینه از فرآورده های روستایی ارائه دهند. پژوهش حاضر با استفاده از ۴۹ متغیر و ۸ شاخص و به کار گیری ۹ تکنیک شامل میزان سنج نهادی گاتمن، شاخص مرکزیت، مجموع حداقل فواصل، تعداد ارتباط های مستقیم، تعداد گره های ارتباطی، شاخص Z ، توان جمعیتی، شاخص توسعه ی انسانی و تحلیل خوشه ای انجام شده و متناسب با استانداردها و ضوابط خدمات رسانی در محیط های روستایی کشور و نحوه ی تجهیز مراکز روستایی امکانات و خدماتی پیشنهاد گردیده است (ضرابی و پرزادی، ۱۸۰: ۱۳۹۰-۱۷۹).

مواد و روش ها

محدوده ی مورد مطالعه

تقسیمات کشوری در استان گیلان طی سال های ۹۳- ۱۳۵۵ دارای تغییرات زیادی بوده است به طوری که تعداد شهرستان، بخش، دهستان، شهر و آبادی های استان افزایش چشمگیری داشته است. بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۵۵ استان گیلان دارای ۱۰ شهرستان ۱۹ شهر و ۲۱ بخش و ۵۶ دهستان و ۲۷۳۱ آبادی بود که در سال ۱۳۹۲ به ۱۶ شهرستان، ۵۲ نقطه شهری، ۴۳ بخش، ۱۰۹ دهستان و ۲۵۹۱ آبادی افزایش یافته است. تحقیق حاضر وضعیت دهستان های استان گیلان را در دسترسی به خدمات مورد مطالعه قرار داده است.



شکل (۱). موقعیت و محدوده ی استان گیلان

روش تحقیق

روش تحقیق در مقاله ی حاضر از نظر هدف، کاربردی و از حیث ماهیت از نوع توصیفی ° تحلیلی است. در ابتدا با استفاده از روش کتابخانه ای و اسنادی جهت سنجش میزان دسترسی عادلانه ی دهستان های استان گیلان به خدمات روستایی در سطوح شهرستانی، ۳۰ نوع از خدمات روستایی که بیشترین جامعیت را در بین خدمات داشته و نشان دهنده ی دسترسی عادلانه ی دهستان ها به خدمات منتخب بودند؛ انتخاب گردید.

جدول (۱). خدمات منتخب جهت شناسایی دهستان های برخوردار

جاده آسفalte	طرح هادی اجرا شده	دبیرستان نظری پسرانه	دبیرستان نظری دخترانه	هنرستان فنی و حرفه ای پسرانه	هنرستان فنی و حرفه ای دخترانه
کتابخانه عمومی	سالن ورزشی	مسجد	دهیار	پاسگاه نیروی انتظامی	مرکز خدمات جهاد کشاورزی
مروج کشاورزی	شرکت تعاونی روستایی	گاز لوله کشی	آب لوله کشی	سامانه تصفیه آب	مرکز بهداشتی درمانی
داروخانه	خانه بهداشت	پزشک	دندانپزشک یا بهداشت کار دهان و دندان	تکنسین دامپزشکی	سامانه جمع آوری زباله
پایگاه آتش نشانی	فروشگاه تعاونی	بانک	تعمیرگاه ماشین آلات کشاورزی	دفتر فناوری اطلاعات و ارتباطات	دسترسی عمومی به اینترنت

سپس برای ارزیابی و تعیین میزان برخوردار ی دهستان ها در سطوح شهرستانی از خدمات و امکانات منتخب با استفاده از روش موریس به تحلیل وضعیت توسعه یافتگی دهستان ها پرداخته شده است و همچنین از روش های مرسوم در رتبه بندی چون شاخص بندی (بر اساس مدل موریس اگر مقدار عددی شاخص ترکیبی بالای ۰٫۸ باشد دارای رتبه توسعه بالا و اگر مقدار عددی بین ۰٫۵ تا ۰٫۸ باشد دارای درجه توسعه یافتگی متوسط و اگر کمتر از ۰٫۵ باشد درجه توسعه یافتگی پایین تفسیر می شود (کلانتری، ۱۳۸۰: ۱۳۶)، استاندارد سازی (روش استاندارد کردن یکی از روشهای رفع اختلاف مقیاس و محاسبه شاخص ترکیبی است. در این روش با تقسیم کردن انحراف مقادیر صفت از میانگین به انحراف معیار، مقادیر اصلی استاندارد شده و متغیرها از مقیاس رها می شوند و با جمع جبری مقادیر استاندارد شده شاخص ترکیبی بدست می آید (کلانتری، ۱۳۸۰: ۱۲۶). جهت فراهم آمدن امکان مقایسه بین دهستان های استان با استفاده از روش های مذکور فراهم گردید.

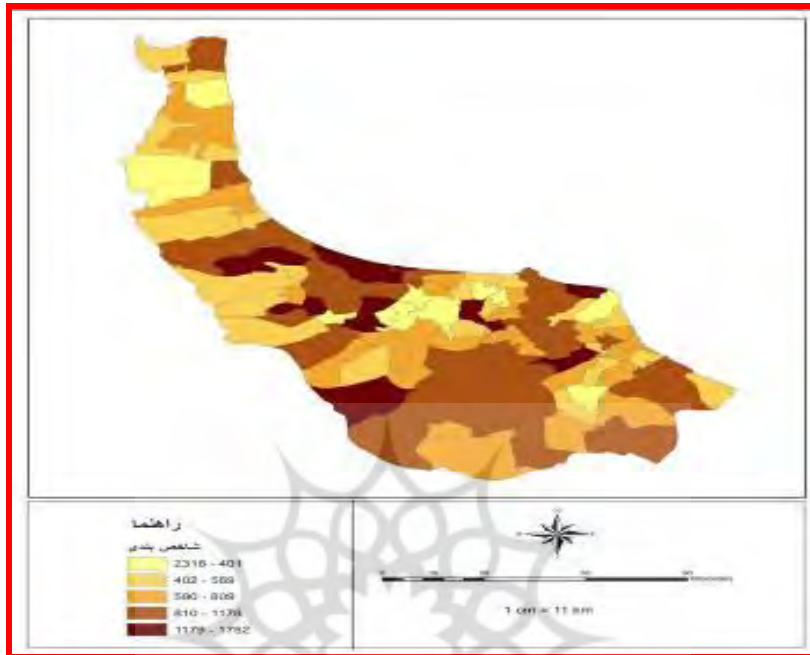
یافته های تحقیق

بررسی وضعیت توسعه یافتگی مناطق:

با توجه به اینکه هدف اصلی توسعه حذف نابرابری هاست، بهترین مفهوم توسعه، رشد همراه با عدالت اجتماعی است. بدین جهت میزان برخورداری یا دسترسی به امکانات و خدمات رفاه اجتماعی و توزیع بهینه ی آن ها در سطح کشورها و شهرستان ها از ارزش و اهمیت زیادی برخوردار است. اندازه گیری و سطح بندی میزان توسعه ی مناطق در ایران با استفاده از مجموعه ای از شاخص اقتصادی- اجتماعی موضوع مطالعات مختلفی بوده است. اولین مدل به کار گرفته شده در این پژوهش، مدل موریس است. بر اساس محاسبات به عمل آمده در منطقه، دهستان با رتبه توسعه بالا وجود نداشته است. و عمدتا در دو سطح توسعه یافتگی متوسط و پایین دسته بندی شده است. در جدول شماره ۱- مدل موریس برای هر یک از شهرستان های استان گیلان به صورت کاملا مجزا تحلیل شده است. طبق بررسی های انجام شده حدود ۶۰ درصد از دهستان ها دارای سطح توسعه یافتگی پایین و مابقی دارای سطح توسعه یافتگی متوسط هستند.

تعیین وضعیت برخورداری دهستانهای استان از مدل شاخص بندی

یکی دیگر از روش هایی که به طور وسیع در این تحقیق صورت پذیرفته است روش شاخص بندی می باشد. در این روش بیشترین مقدار هر شاخص معادل ۱۰۰ در نظر گرفته شده و بقیه مقادیر نسبت به آن از طریق تناسب بندی محاسبه می گردند طبق بررسی های به عمل آمده از میان دهستانهای استان گیلان ۱۰۹ دهستان به این روش رتبه داده شد که از این میان دهستان های سراوان (شهرستان رشت)، کلیشم (شهرستان رودبار) و گل سفید (شهرستان لنگرود) به ترتیب رتبه های اول تا سوم و دهستان های دهستان کوهستانی تالش (شهرستان تالش)، شوئیل (شهرستان رودسر) و اشکور علیا (رودسر) سه دهستان آخر در این روش می- باشند.



شکل (۲). رتبه بندی دهستان های استان گیلان بر اساس مدل شاخص بندی

تعیین وضعیت برخورداری دهستانهای استان از روش استاندارد سازی:

طبق بررسی های به عمل آمده در سطح استان و طبق رتبه بندی بر اساس این روش مانند روش پیشین، به ترتیب دهستان های سراوان (شهرستان رشت)، کلیشم (شهرستان رودبار) و گل سفید (شهرستان لنگرود) جز ۳ دهستان اول و دهستان های کوهستانی تالش (شهرستان تالش)، شوئیل (رودسر) و اشکور علیا (شهرستان رودبار) و جزء سه دهستان آخر در این ستون می باشند.

عدالت فضایی بهره مندی از امکانات و خدمات در سکونت گاه های روستایی... ۱۰۹

جدول (۲). رتبه بندی دهستان های استان گیلان بر اساس روش شاخص بندی

دهستان	شاخص ترکیبی	رتبه	دهستان	شاخص ترکیبی	رتبه	دهستان	شاخص ترکیبی	رتبه	دهستان	شاخص ترکیبی	رتبه
سراوان (رشت)	۱۷۵/۰۵	۱	کیسم (آستانه)	۹۴۷/۵۲	۲۹	گوراب پس (فومن)	۷۷۰/۲۹	۵۷	ماچیان (رودسر)	۵۰۶/۷۳	۸۵
کلیشم (رودبار)	۱۶۹۹/۹۰	۲	تولم (صومعه سرا)	۹۴۴/۴۲	۳۰	خطبه سر (تالش)	۷۴۰/۵۲	۵۸	رستم آباد جنوبی (رودبار)	۵۰۳/۵۲	۸۶
گل سفید (لنگرود)	۱۵۹۷/۴۹	۳	دهشال (آستانه)	۹۲۹/۰۰	۳۱	حومه (ماسال)	۷۳۸/۶۳	۵۹	ماسال (ماسال)	۴۹۲/۰۹	۸۷
هندوخاله (صومعه سرا)	۱۵۲۳/۳۶	۴	گورکا (آستانه)	۹۲۶/۵۷	۳۲	دلفکار (رودبار)	۷۳۴/۸۰	۶۰	دشتویل (رودبار)	۴۹۱/۹۹	۸۸
چهار فریضه (تازی)	۱۳۶۳/۲۷	۵	لولمان (فومن)	۹۱۶/۲۸	۳۳	اوشیان (رودسر)	۷۲۳/۳۲	۶۱	چلوندا (آستارا)	۴۸۰/۵۵	۸۹
دهگاه (آستانه اشرقیه)	۱۳۳۵/۹۳	۶	کیاشهر (آستانه)	۹۱۰/۳۳	۳۴	کلشتر (رودبار)	۷۱۱/۱۵	۶۲	لیالستان (لاهیجان)	۷۳۴/۲۴	۹۰
چوکام (رشت)	۱۳۲۰/۶۵	۷	رودبنه (لاهیجان)	۹۰۷/۷۷	۳۵	رحمت آباد (رودبار)	۷۰۵/۴۹	۶۳	لیسار (تالش)	۴۶۷/۴۴	۹۱
چهار ده (آستانه اشرقیه)	۱۲۶۳/۵۵	۸	طاهر گوراب (صومعه سرا)	۸۹۷/۹۵	۳۶	رضا محله (رودسر)	۷۰۵/۸۸	۶۴	دیلمان (سیاهکل)	۴۵۸/۵۹	۹۲
کته سر خمام (رشت)	۱۲۵۱/۷۱	۹	مردان (لنگرود)	۸۹۵/۴۵	۳۷	چاف (لنگرود)	۶۹۵/۳۶	۶۵	املش جنوبی (املش)	۴۵۲/۲۲	۹۳
اسلام آباد (رشت)	۱۲۴۳/۵۴	۱۰	لیل (لاهیجان)	۸۸۹/۸۳	۳۸	آلیان (فومن)	۶۸۰/۲۸	۶۶	سمام (املش)	۴۳۷/۳۱	۹۴
دریاسر (لنگرود)	۱۱۷۸/۹۹	۱۱	کنسار (صومعه سرا)	۸۸۹/۳۰	۳۹	چوبر (شفق)	۶۷۵/۴۶	۶۷	جیرنده (رودبار)	۴۳۵/۸۶	۹۵
علی آباد زینا کنار (رشت)	۱۱۷۳/۳۲	۱۲	دیناچال (رضوانشهر)	۸۵۸/۸۷	۴۰	طولارود (تالش)	۶۷۱/۱۷	۶۸	خرجگیل (تالش)	۴۲۸/۷۳	۹۶
لولمان (رشت)	۱۱۶۴/۶۳	۱۳	لاکان (رشت)	۸۸۶/۷۹	۴۱	شیخ نشین (ماسال)	۶۷۰/۶۹	۶۹	خورگام (رودبار)	۴۲۵/۷۸	۹۷
لیچارکی حسن رود (تازی)	۱۱۴۵/۸۹	۱۴	پسیخان (رشت)	۸۸۱/۴۹	۴۲	بی بالان (رودسر)	۶۵۷/۷۱	۷۰	لات لیل (لنگرود)	۴۱۹/۲۱	۹۸
ساحلی جوکنندان (تالش)	۱۱۳۲/۲۰	۱۵	گیل دولاب (رضوانشهر)	۸۷۷/۴۱	۴۳	حویق (تالش)	۶۵۵/۰۹	۷۱	اطاقور (لنگرود)	۴۰۱/۶۵	۹۹
سنگر (رشت)	۱۱۰۵/۴۷	۱۶	ویرمونی (آستارا)	۸۷۵/۹۷	۴۴	جیره نده لشت (نشار رشت)	۶۵۵/۰۸	۷۲	رستم آباد شمالی (رودبار)	۳۹۷/۲۵	۱۰۰
لوندویل (آستارا)	۱۱۰۴/۶۵	۱۷	حومه (رشت)	۸۷۴/۳۱	۴۵	اسالم (تالش)	۶۲۹/۲۰	۷۳	چوبر (تالش)	۳۹۲/۴۹	۱۰۱
بلسینه (رشت)	۱۰۵۸/۸۳	۱۸	چاپارخانه (رشت)	۸۷۳/۰۱	۴۶	شاندزمن (ماسال)	۶۲۴/۴۹	۷۴	کجید (املش)	۳۷۷/۶	۱۰۲
ملاسر (شفق)	۱۰۲۳/۷۳	۱۹	پیر بازار (رشت)	۸۶۸/۳۱	۴۷	املش شمالی (املش)	۶۲۱/۹۳	۷۵	رحیم آباد (رودسر)	۳۵۹/۰۱	۱۰۳
بازکیا گوراب (لاهیجان)	۱۰۲۵/۸۵	۲۰	جیرده (شفق)	۸۵۷/۶۹	۴۸	شبخوس لات (املش)	۶۱۴/۸۲	۷۶	بیلاقی اردر (رضوانشهر)	۳۲۴/۷۷	۱۰۴
گفشه لشت (نشار رشت)	۱۰۲۵/۴۱	۲۱	گوراب زرمیخ	۸۵۶/۲۵	۴۹	خرارود (سیاهکل)	۵۸۹/۴۱	۷۷	اشکور سفلی	۲۹۴/۴۱	۱۰۵
حاجی بکنده خشکیبجار (رشت)	۱۰۱۶/۹۵	۲۲	رودپیش (فومن)	۸۵۲/۶۰	۵۰	سردار جنگل (فومن)	۵۷۸/۰۶	۷۸	توتکی (سیاهکل)	۲۷۸/۰۶	۱۰۶
احمد سرگوراب (شفق)	۱۰۱۵/۷۰	۲۳	نوشهر خشکیبجار (رشت)	۸۰۹/۳۷	۵۱	حیران (آستارا)	۵۷۴/۴۷	۷۹	اشکور علیا (رودسر)	۲۴۸/۶۸	۱۰۷
لقمجان (لاهیجان)	۹۹۴/۷۶	۲۴	مرکیه (صومعه سرا)	۸۰۵/۵۹	۵۲	خوشابر (رضوانشهر)	۵۶۲/۵۸	۸۰	شوتیل (رودسر)	۲۳۸/۹۷	۱۰۸
شیرجوشیت (لاهیجان)	۹۹۰/۰۶	۲۵	سیاهکلرود (رودسر)	۸۰۰/۸۲	۵۳	آهندان (لاهیجان)	۵۴۰/۲۶	۸۱	کوهستانی تالش (تالش)	۲۳۱/۲۱	۱۰۹
گشت (فومن)	۹۷۳/۰۴	۲۶	بلوکات (رودبار)	۷۷۸/۲۱	۵۴	خاله سر (تالش)	۵۲۵/۰۷	۸۲			
کنار سر (رشت)	۹۵۷/۶۸	۲۷	ضیابر (صومعه سرا)	۷۷۴/۸۸	۵۵	پیرکوه (سیاهکل)	۵۱۷/۳۵	۸۳			
دیوشل (لنگرود)	۹۵۵/۵۳	۲۸	چینی جان (رودسر)	۷۷۱/۴۲	۵۶	مالفجان (سیاهکل)	۵۰۶/۸۶	۸۴			

جدول (۳). رتبه بندی دهستان های استان گیلان بر اساس مدل استاندارد سازی

دهستان	شاخص ترکیبی	رتبه بندی	دهستان	شاخص ترکیبی	رتبه بندی	دهستان	شاخص ترکیبی	رتبه بندی	دهستان	شاخص ترکیبی	رتبه بندی
سراوان (رشت)	۵۱/۲۵	۱	تولم (صومعه سرا)	۷/۴۱	۲۹	گوراب پس (فومن)	--/۹۸	۵۷	ماچیان (رودسر)	۱۴/۱۹	۸۵
کلشیم (رودبار)	۴۸/۷۲	۲	گورکا (آستانه)	۶/۹۹	۳۰	چینی جان (رودسر)	-۱/۲۶	۵۸	مالفجان (سیاهکل)	۱۴/۴۹	۸۶
گل سفید (لنگرود)	۴۰/۴۲	۳	دهشال (آستانه)	۶/۶۷	۳۱	کلشتر (رودبار)	-۲/۲۰	۵۹	پیرکوه (سیاهکل)	۱۴/۵۰	۸۷
هندوخاله (صومعه سرا)	۳۶/۰۶	۴	طاهرگوراب (صومعه سرا)	۶/۱۶	۳۲	حومه (ماسال)	-۲/۴۱	۶۰	چلوئند (آستارا)	۱۴/۵۵	۸۸
چهار فریضه (انزلی)	۲۷/۰۱	۵	کیاشهر (آستانه)	۵/۹۶	۳۳	اوشیان (رودسر)	-۲/۴۲	۶۱	املش جنوبی (املش)	۱۴/۸۴	۸۹
دهگه (آستانه)	۲۵/۹۵	۶	لولمان (فومن)	۵/۸۴	۳۴	خطبه سرا (تالش)	-۲/۶۵	۶۲	دیلمان (سیاهکل)	۱۵/۲۲	۹۰
چهار ده (آستانه)	۲۵/۷۴	۷	رودبنه (لاهیجان)	۵/۴۲	۳۵	رضا محله (رودسر)	=۳/۳۲	۶۳	ماسال (ماسال)	۱۵/۵۳	۹۱
چوکام (رشت)	۲۴/۷۴	۸	کنار سر (رشت)	۵/۲۸	۳۶	حیران (آستارا)	-۴/۵۶	۶۴	لیالستان (لاهیجان)	۱۵/۶۳	۹۲
کنه سر خم (رشت)	۲۴/۰۵	۹	لیل (لاهیجان)	۵/۱۵	۳۷	چوبر (شفث)	-۴/۷۱	۶۵	لیسار (تالش)	۱۶/۰۹	۹۳
اسلام آباد (رشت)	۲۱/۹۲	۱۰	کسما (صومعه سرا)	۴/۸۳	۳۸	رحمت آباد (رودبار)	-۴/۸۳	۶۶	جیرنده (رودبار)	۱۶/۲۷	۹۴
لیچارکی حسن رود (انزلی)	۱۸/۳۳	۱۱	پسیخان (رشت)	۴/۷۰	۳۹	طولارود (تالش)	-۵/۵۸	۶۷	خرجگیل (تالش)	۱۶/۶۴	۹۵
لولمان (رشت)	۱۸/۰۶	۱۲	ویرمونی (آستارا)	۴/۶۵	۴۰	چاف (لنگرود)	-۵/۹۵	۶۸	سمام (املش)	۱۷/۲۵	۹۶
ساحلی چونکندان (تالش)	۱۷/۷۶	۱۳	دیناچال (رضوانشهر)	۳/۷۷	۴۱	شیخ نشین (ماسال)	-۵/۹۵	۶۹	رستم آباد شمالی (رودبار)	۱۷/۴۱	۹۷
دریاسر (لنگرود)	۱۶/۸۶	۱۴	چاپارخانه (رشت)	۳/۷۵	۴۲	حویق (تالش)	-۶/۱۷	۷۰	لات لیل (لنگرود)	۱۷/۵۶	۹۸
علی آباد زیبا کنار (رشت)	۱۶/۷۴	۱۵	لاکان (رشت)	۳/۵۹	۴۳	بی بالان (رودسر)	-۶/۳۳	۷۱	خورگام (رودبار)	۱۸/۰۵	۹۹
لوندویل (آستارا)	۱۵/۰۶	۱۶	مریدان (لنگرود)	۳/۵۶	۴۴	جیرنده لشت نشا (رشت)	-۶/۶۶	۷۲	کجید (املش)	۱۸/۸۵	۱۰۰
سنگر (رشت)	۱۴/۷۲	۱۷	حومه (رشت)	۳/۲۶	۴۵	آلیان (فومن)	-۶/۷۱	۷۳	اطاقور (لنگرود)	۱۹/۴۷	۱۰۱
بازکیاگوراب (لاهیجان)	۱۳/۰۵	۱۸	گوراب زمیخ (صومعه سرا)	۳/۲۳	۴۶	املش شمالی (املش)	-۶/۸۷	۷۴	رحیم آباد (رودسر)	۲۰/۰۸	۱۰۲
احمد سرگوراب (شفث)	۱۲/۲۸	۱۹	گیل دولاب (رضوانشهر)	۲/۸۶	۴۷	شیخوس لات (املش)	-۷/۱۵	۷۵	چوبر (تالش)	۲۰/۵۴	۱۰۳
بلسبینه (رشت)	۱۲/۰۵	۲۰	رودپیش (فومن)	۲/۶۰	۴۸	اسالم (تالش)	-۷/۳۷	۷۶	اشکور سفلی (رودسر)	۲۲/۸۳	۱۰۴
لغمجان (لاهیجان)	۱۱/۸۸	۲۱	جیرده (شفث)	۲/۰۵	۴۹	شاندردمن (ماسال)	-۹/۵۷	۷۷	بیلاقی ارده (رضوانشهر)	۲۴/۶۱	۱۰۵
ملاسرا (شفث)	۱۱/۴۹	۲۲	پیر بازار (رشت)	۱/۶۱	۵۰	خرارود (سیاهکل)	-۱۰/۱۰	۷۸	توتکی (سیاهکل)	۲۵/۳۳	۱۰۶
حاجی بکنده (رشت)	۱۱/۲۰	۲۳	سیاهکلرود (رودسر)	۰/۶۹	۵۱	خوشابر (رضوانشهر)	-۱۰/۶۷	۷۹	شونیل (رودسر)	۲۵/۶۶	۱۰۷
گفشه لشت نشا (رشت)	۱۰/۵۴	۲۴	نوشهر خشکبیجار (رشت)	۰/۶۴	۵۲	خاله سرا (تالش)	-۱۲/۰۸	۸۰	اشکور علیا (رودسر)	۲۵/۸۲	۱۰۸
دیوشل (لنگرود)	۹/۲۳	۲۵	دلفک (رودبار)	-۰/۲۱	۵۳	سردار جنگل (فومن)	-۱۲/۲۶	۸۱	کوهستانی تالش (تالش)	۲۸/۸۶	۱۰۹
شیرچویش (لاهیجان)	۹/۱۸	۲۶	مرکیه (صومعه سرا)	-۰/۴۳	۵۴	آهندان (لاهیجان)	-۱۳/۱۰	۸۲			
کیسم (آستانه)	۸/۲۲	۲۷	بلوکات (رودبار)	-۰/۴۶	۵۵	دشتویل (رودبار)	-۱۳/۷۰	۸۳			
گشت (فومن)	۸/۱۸	۲۸	ضیابر (صومعه سرا)	-۰/۶۰	۵۶	رستم آباد جنوبی (رودبار)	-۱۳/۸۷	۸۴			

بعلاوه وضعیت برخورداری دهستانهای استان با استفاده از روش تقسیم بر میانگین نیز انجام گرفته است که نتایج نشان می دهد سه دهستان سراوان، گل سفید و کته سر خمام جز سه رتبه اول و سه دهستان کوهستانی تالش، اشکور علیا و شوئیل به ترتیب جزء سه دهستان آخر قرار دارند.

مقایسه وضعیت رتبه برخورداری سه روش در وضعیت ۱۰ رتبه اول:

در جدول ۴ وضعیت ده رتبه اول در سطح استان بر اساس شاخص های استاندارد سازی، شاخص بندی و موریس مقایسه شده است.

جدول (۴). بررسی وضعیت ده رتبه اول بر اساس روش های شاخص بندی، استاندارد سازی و موریس

دهستان	شاخص ترکیبی (روش شاخص بندی)	دهستان	شاخص ترکیبی (روش استاندارد سازی)	دهستان	شاخص ترکیبی در مدل موریس
سراوان (رشت)	۱۷۵۲/۰۵	سراوان (رشت)	۵۱/۲۵	سراوان (رشت)	۰/۵۳
کلیشم (رودبار)	۱۶۹۹/۹۰	کلیشم (رودبار)	۴۸/۷۲	کلیشم (لنگرود)	۰/۵۱
گل سفید (لنگرود)	۱۵۹۷/۴۹	گل سفید (لنگرود)	۴۰/۴۲	گل سفید (لنگرود)	۰/۴۸
هندوخاله (صومعه سرا)	۱۵۲۲/۳۶	هندوخاله (صومعه سرا)	۳۶/۰۶	هندوخاله (صومعه سرا)	۰/۴۶
چهار فریضه (انزلی)	۱۳۶۳/۲۷	چهار فریضه (انزلی)	۲۷/۰۱	چهار فریضه (بند انزلی)	۰/۴۱
دهگانه (آستانه اشرفیه)	۱۳۳۵/۹۳	دهگانه (آستانه)	۲۵/۹۵	دهگانه (آستانه)	۰/۴۰
چوکام (رشت)	۱۳۲۰/۶۵	چهار ده (آستانه)	۲۵/۷۴	چوکام (رشت)	۰/۴۰
چهارده (آستانه اشرفیه)	۱۲۶۳/۵۵	چوکام (رشت)	۲۴/۷۴	کته سر خمام (رشت)	۰/۳۸
کته سر خمام (رشت)	۱۲۵۱/۷۱	کته سر خمام (رشت)	۲۴/۰۵	چهارده (آستانه اشرفیه)	۰/۳۸
اسلام آباد (رشت)	۱۲۴۳/۵۴	اسلام آباد (رشت)	۲۱/۹۲	اسلام آباد (رشت)	۰/۳۸

بر اساس تحلیل های انجام شده بر اساس سه مدل تا رتبه ۶ در هر سه مدل یکی می باشد اما در رتبه هفتم در دو روش موریس و شاخص بندی دهستان چوکام واقع در شهرستان رشت، و روش استاندارد سازی دهستان چهارده از شهرستان آستانه اشرفیه انتخاب گردید. در نهایت رتبه ۱۰ در هر سه مدل اسلام آباد رشت می باشد.

مقایسه وضعیت بر خورداری سه روش در وضعیت ۱۰ رتبه آخر:

طبق تحلیل ها و بر اساس جدول شماره ۵ که درست عکس جدول شماره قبل می باشد ۱۰ رتبه آخر از میان دهستانهای استان گیلان بر اساس مدل های موريس، استاندارد سازی و شاخص بندی مشخص شده است که در هر مدل با توجه به محاسباتی که انجام پذیرفت یکسری تفاوت های جزئی مشاهده می گردد که باعث شد تا نتایج به طور کامل مانند همدیگر نباشند. با این حال ضعیف ترین دهستان ها در بر خورداری از خدمات و امکانات روستایی باز هم شامل دهستان های کوهستانی تالش، شوئیل و اشکور علیا بوده است.

جدول (۵). بررسی وضعیت ده رتبه آخر بر اساس روش های شاخص بندی، استاندارد سازی و موريس

دهستان	شاخص ترکیبی (روش شاخص بندی)	دهستان	شاخص ترکیبی (روش استاندارد سازی)	دهستان	شاخص ترکیبی (بر اساس مدل موريس)
رستم آباد (شمالی رودبار)	۳۹۷/۲۵	کجید (املش)	۱۸/۸۵-	اطاقور (لنگرود)	۰/۱۱
چوبر (تالش)	۳۹۲/۴۹	اطاقور (لنگرود)	۱۹/۴۷-	چوبر (تالش)	۰/۱۰
کجید (املش)	۳۷۷/۶۳	رحیم آباد (رودسر)	۲۰/۰۸-	کجید (املش)	۰/۱۰
رحیم آباد (رودسر)	۳۵۹/۰۱	چوبر (تالش)	۲۰/۵۴-	رحیم آباد (رودسر)	۰/۱۰
بیلاقی ارده (رضوانشهر)	۳۲۴/۷۷	اشکور سفلی (رودسر)	۲۲/۸۳-	بیلاقی ارده (رضوانشهر)	۰/۰۸
اشکور سفلی (رودسر)	۲۹۴/۴۱	بیلاقی ارده (رضوانشهر)	۲۴/۶۱-	اشکور سفلی (رودسر)	۰/۰۷
توتکی (سیاهکل)	۲۷۸/۰۶	توتکی (سیاهکل)	۲۵/۳۳-	توتکی (سیاهکل)	۰/۰۷
اشکور علیا (رودسر)	۲۴۵/۶۸	شوئیل (رودسر)	۲۵/۶۶-	اشکور علیا (رودسر)	۰/۰۵
شوئیل (رودسر)	۲۳۸/۹۷	اشکور علیا (رودسر)	۲۵/۸۲-	شوئیل (رودسر)	۰/۰۵
کوهستانی تالش (تالش)	۲۳۱/۲۱	کوهستانی تالش (تالش)	۲۸/۸۶-	کوهستانی تالش (تالش)	۰/۰۵

نتیجه گیری

مساعادت عوامل طبیعی و توانمندی های محیطی سبب گشته است، استان گیلان در سطوح روستایی تراکم بالایی از جمعیت را شاهد گردد، بدین منظور لازم است گروه های انسانی ساکن در این نقاط از جهت بر خورداری از ویژگی های یک زندگی خوب و توانمند شدن در بهره برداری مطلوب و بهینه از محیط و ارتزاق از طریق آن، به خدمات و امکاناتی مناسب

دسترسی عادلانه و مناسبی داشته باشند، بدین منظور خدمات و امکاناتی که برای زندگی این افراد لازم می آید انتخاب و با چندین روش مرسوم در رتبه بندی جایگاه و میزان برخورداری و عدم برخورداری هر کدام از دهستان ها مشخص گردید؛ که نتایج نزدیک به هم از روش های مورد استفاده نشان از اعتبار و صحت بالای نتایج حاصله داشته. به طوری که جهت شناسایی برخوردارترین دهستان ها از خدمات و امکانات، در هر سه روش شاخص بندی، استاندارد سازی و ترکیبی نتیجه در مورد ۶ دهستان اول یکسان بوده که دهستان سراوان از شهرستان رشت اولین آن ها بوده است. جهت شناسایی کم برخوردارترین دهستان ها نیز بر اساس روش های مذکور نتیجه در مورد ۹ دهستان اول یکسان بوده است که دهستان کوهستانی تالش از شهرستان تالش کم برخوردارترین آن ها بوده است. ثانیاً قریب به ۶۰ درصد از دهستان های استان در سطح توسعه یافتگی پایین و مابقی نیز در سطح توسعه یافتگی متوسط قرار گرفته اند. مساله ی دیگری که در این راستا مهم می نماید، فاصله ی بین استان های برخوردار و کم برخوردار است به طوری که فاصله ی بین دهستان سراوان و کوهستانی تالش در روش های شاخص بندی، استاندارد سازی و ترکیبی به ترتیب تقریباً ۰،۷ و ۲ و ۱۰ برابر می باشد؛ این در حالیست که برخوردارترین دهستان ها از سطح توسعه یافتگی متوسطی قرار دارند و در حد قابل قبولی عدالت فضایی را در بهره گیری از خدمات و امکانات تجربه نکرده اند، بنابراین وضعیت دهستان هایی که در سطح توسعه یافتگی پایین قرار دارند، به مراتب شرایط نامناسب تری را در دسترسی به خدمات دارند. در مجموع می توان گفت با توجه به تفاوت هایی که در بین دهستان ها وجود داشت؛ وضعیت نامطلوبی در بهره گیری از خدمات و امکانات روستایی برای دهستان های استان وجود دارد. در انتها به منظور بهبود وضعیت توزیع فضایی امکانات و خدمات و فراهم شدن زمینه های عدالت فضایی راهکارهای ذیل پیشنهاد می گردد:

- سهولت دسترسی به امکانات و خدمات به منظور فراهم شده زمینه های بهره برداری بهینه از منابع و قابلیت های موجود
- اصلاح و بهبود در وضعیت اشتغال و کار آفرینی دهستان های محروم به منظور بهره گیری از منابع، امکانات و داشته های محلی
- ایجاد تحول در ساختار تولید روستایی، از طریق آموزش و ترویج و ایجاد تحول در آموزش فنی و حرفه ای، به گونه ای که آموزش ها منطبق بر نیازهای جامعه ی روستایی باشد،
- برقراری سیستم آموزشی سیار، بهره برداری مطلوب از منابع طبیعی با مشارکت روستائیان؛
- اعطای تسهیلات اعتباری و معافیت های مالیاتی در زمینه ی ایجاد صنایع، ایجاد اشتغال، مسکن و اصلاح ساختار کالبدی

منابع و ماخذ

۱. آسایش، حسین، فلاح تبار، نصر الله (۱۳۹۳). شناخت شناسی روستا، جایگاه روستا در برنامه ریزی های کلان مسیر دیروز و نگاه امروز (از مفهوم تا راهکار)، چاپ دوم، تهران، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
۲. آمار، تیمور (۱۳۷۵). امکان سنجی استقرار بهینه سکونتگاه های روستایی بخش رحمت آباد، مجموعه مقالات سمینار ساماندهی روستاهای پراکنده، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، همدان.
۳. آمار، تیمور (۱۳۹۲). آسیب شناسی توسعه ی گردشگری در سکونت گاه های روستایی استان گیلان (مورد دهستان دیلمان: شهرستان سیاهکل)، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه ی روستایی، سال دوم، شماره ۱، صفحات ۱۹۲-۱۷۱.
۴. امیرانتخابی، شهرام (۱۳۹۲). سطح بندی و گونه شناسی روستاهای استان گیلان، رشت، استانداری گیلان، صفحات ۱۸۳-۱.
۵. ابراهیم زاده، عیسی (۱۳۹۳). آمایش سرزمین و نقش آن در تبیین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، تهران، نشر الگوی پیشرفت.
۶. پور طاهری، مهدی، نقوی، محمد رضا (۱۳۹۰). توسعه کالبدی سکونت گاه های روستایی با رویکرد توسعه ی پایدار (مفاهیم، نظریه ها، راهبردها)، مسکن و محیط روستا، شماره ۱۳۷، صفحات ۷۰-۵۳.
۷. هاروی، دیوید (۱۳۷۹). عدالت اجتماعی و شهر: مترجمان: فرخ حسامیان، محمد رضا حائری و بهروز منادی زاده، چاپ دوم، تهران، شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری (وابسته به شهرداری تهران).
۸. رضا طبع ازگمی، خدیجه، مولایی هاشجین، نصرالله (۱۳۸۸). چشم انداز جغرافیایی، برنامه ریزی توسعه ی خدمات روستایی از دیدگاه جغرافیا (مطالعه ی موردی: بخش تولم شهرستان صومعه سرا)، شماره هشت، صفحات ۶۶-۴۹.
۹. زیاری، کرامت الله (۱۳۸۳). اصول و روش های برنامه ریزی منطقه ای، چاپ پنجم، یزد، انتشارات دانشگاه یزد.
۱۰. سعیدی، عباس (۱۳۸۴). مبانی جغرافیای روستایی، تهران، انتشارات سمت.
۱۱. شیرازیان، احمد (۱۳۷۵). ساماندهی سکونتگاه های روستایی از مفهوم تا مصداق، مجموعه مقالات سمینار ساماندهی روستاهای پراکنده، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، همدان.
۱۲. ضرابی، اصغر؛ پرزادی، طاهر (۱۳۹۰). سطح بندی سکونت گاه ها و تعیین مراکز عملکردی محلی (مطالعه ی موردی: دهستان صاحب بخش زیویه شهرستان سقز)، فصلنامه جغرافیا، سال نهم، شماره ۲۸، صفحات ۲۰۲-۱۷۹.

۱۳. فاضل نیا، غریب (۱۳۹۳). تبیین اهمیت ها، الزامات، زمینه ها، موانع و محدودیت های عدالت گستری در مناطق روستایی ایران، تهران، نشر الگوی پیشرفت، وابسته به مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.

۱۴. فرجی سبکبار، علی، حسن (۱۳۸۴). مکان یابی واحدهای خدمات بازرگانی با استفاده از روش تحلیل سلسله مراتبی (AHP) مطالعه موردی بخش طرقله شهرستان مشهد، پژوهش های جغرافیایی، شماره ۵۱، صفحات ۱۳۸-۱۲۵.

۱۵. معصومی اشکوری، حسن (۱۳۸۵). اصول و مبانی برنامه ریزی منطقه ای، انتشارات پیام، تهران.
۱۶. مکانیکی، جواد، صادقی، حجت الله (۱۳۹۱). تعیین الگوی فضایی بهینه ی استقرار مراکز خدمات روستایی با رویکرد تناسب اراضی به روش AHP (مطالعه ی موردی: بخش دهدز، شهرستان ایذه)، مجله پژوهش و برنامه ریزی روستایی، شماره دوم، صفحات ۶۹-۴۷.

۱۷. مولایی هاشجین، نصرالله (۱۳۸۲). الگوی بهینه برای برنامه ریزی بهینه توسعه ی خدمات روستایی در ایران (مطالعه ی موردی: جنوب استان اردبیل)، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال هجدهم، شماره پیاپی ۷۰، صفحات ۷۳-۴۷.

۱۸. محمدی، جمال، عبدلی، اصغر، فتحی بیرانوند، محمد (۱۳۹۱). بررسی سطح توسعه یافتگی شهرستان های استان لرستان به تفکیک بخش های مسکن و خدمات رفاهی - زیربنایی، کشاورزی و صنعت، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال دوازدهم، شماره ۲۵، صفحات ۱۵۰-۱۲۷.

۱۹. مهدوی، مسعود، کریم زاده، حسین (۱۳۸۵). بهینه بندی بخش مرکزی شهرستان ورزقان برای مکان یابی مراکز خدمات روستایی با استفاده از GIS، پژوهش های جغرافیایی، شماره ۵۵، صفحات ۲۲۴-۲۰۲.

۲۰. نبوی، سید عباس (۱۳۹۳). جایگاه مبانی و راهبردهای عدالت اجتماعی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، تهران، نشر الگوی پیشرفت، وابسته به مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.

۲۱. یاسوری، مجید (۱۳۸۵). بررسی وضعیت تحولات جمعیتی و راهبرد های توسعه ی روستایی در استان خراسان رضوی، مجله جغرافیا و توسعه ی ناحیه ای، شماره هفتم، ۳۲-۱۷.

Andrew w.Gilg. (1985). *An introduction to rural geography*, British library cataloguing in publication data,P:200

Dixon, C.(1994). *Rural Development in the third World*. London: Ruthedge

Hess, G.R.(2001). *Just what is Sprawl, Anyway?* www4. ncsu.edu/~grhess.

Herrmann S. Osinski.E. (1999). *planning sustainable land use in rural areas at different spatial levels using GIS and modeling tools*. P97.

King,J,Leslie. (1984). *Central place theory; a reinterpretation*,Published by SAGE Publications.

Lungo, M. (2001). *Urban Sprawl and Land Regulation in Latin America*, Land Lines, Vol.13, No.2.

Shucksmith.M.v.(2000). *Endogenous development socialcapita landsocial inclusion: perspectives from LEADER in the UK*. Socialogia Ruralis.

Qeeirgga, D.; Gonza lez-Benito, J. & Spengler, T. (2008). *Evaluation of sites for the location of WEEE recycling plants in Spain*". Waste management. Vol. 28, No. 1, pp.181° 190.

Yang, J. & Lee, H. (1997). *An AHP decision model for facility location selection*. Facilities. Vol. 15. No. 9/10, pp. 236-254.

